

انواع قلب در قرآن کدام است و منظور از این تقسیم‌بندی چیست؟

Mentazer Mentazer

تقسیم‌بندی انواع قلب در قرآن بر اساس کمالات وجودی

خداوند از چه زاویه‌ای به انسان می‌نگرد؟ حیثیت انسانی را وابسته به چه چیز می‌داند؟ چرا در قرآن عده‌ای را به سنگ تشبیه می‌کند و عده‌ای را حیوان و پست‌تر از حیوان می‌خواند؟ آیا هدف خدا از به‌کار بردن این الفاظ توهین به شخصیت آدم‌هاست، یا مقصود دیگری مدنظر است؟ انواع قلب در قرآن کدامند و چرا قرآن افراد را بر اساس قلب‌شان گروه‌بندی می‌کند؟

تابه‌حال به نوع ملاک‌هایی که در دنیای امروز برای مرزبندی و ارزش‌گذاری آدم‌ها و جمعیت‌های بشری استفاده می‌شود، دقت کرده‌اید؟ سیاه‌پوست و سفیدپوست، ثروتمند و فقیر، تحصیل‌کرده و بی‌سواد، کشورهای توسعه‌یافته و کشورهای [جهان سوم](#). در هیچ‌کدام از این طبقه‌بندی‌ها خبری از شأن انسانی افراد نیست؛ بلکه به انسان به چشم یک شیء نگاه می‌شود، که همهٔ حیثیتش به کمالات ظاهری‌اش گره خورده و هرچه از نظر این کمالات دارا تر و بالاتر باشد، مرغوب‌تر است! البته تعجبی هم ندارد. وقتی انسان‌شناسی بر اساس معیارهای توهمی و غیرحقیقی صورت بگیرد و بُعد اصلی وجود انسان نادیده گرفته شود، چنین ارزش‌گذاری‌ها و مرزبندی‌هایی طبیعی است. ولی ما با این ارزش‌گذاری‌ها کاری نداریم. آن‌چه برای ما مهم است نگاه خدا به انسان است. نگاه خدا به انسان یک نگاه جامع و از ازل تا ابد است، نه یک نگاه کوتاه‌مدت و دنیوی. در طبقه‌بندی خدا ظاهر افراد هیچ جایگاهی ندارد. به همین دلیل هم گاهی ارزش یک رنگین‌پوست درس‌نخواندهٔ جهان سومی نزد خدا، بسیار بالاتر از یک سفیدپوست تحصیل‌کردهٔ جهان اولی است؛ زیرا خدا مثل ما فریفتهٔ ظاهر افراد نمی‌شود؛ بلکه به باطن و حقیقت آن‌ها نگاه می‌کند.

همهٔ حقیقت یک انسان قلب اوست. به جز قلب، بقیهٔ دارایی‌ها عاریتی و موقتی هستند. کارهای عقلانی و مطالعاتی، تعلیم و تعلم، امور وهمی، خیالی، حسی و خلاصه هر چیزی که ما در جهان با آن در ارتباطیم،

همگی مقدمه‌ای برای ساختن قلب هستند. قلب یا روح، بُعد غیرمادی وجود ما و تنها چیزی است که پس از مرگ از ما باقی می‌ماند. همهٔ افراد نیز در آخرت با قلب‌شان سنجیده و ارزش‌گذاری می‌شوند. همان‌طور که در دنیا با یک نگاه به وضعیت جسمی نوزاد، می‌توان فهمید دوران جنینی را چگونه گذرانده، در آخرت نیز با یک نگاه به قلب افراد می‌توان فهمید که دوران عمرشان را چگونه گذرانده و چه جور مکتسباتی کسب کرده‌اند؛ هرچند تشخیص این موضوع در عالم دنیا هم چندان دشوار نیست و رفتارها و سبک زندگی هر فرد نشان می‌دهد که در قلبش چه می‌گذرد. در ادامه انواع قلب در قرآن را که در واقع طبقه‌بندی انسان‌ها از نگاه خداست، معرفی می‌کنیم.

انواع قلب در قرآن

خداوند در قرآن انسان‌ها را به دو گروه کلی تقسیم می‌کند؛ مؤمنان و فاسقان. از نظر خدا فقط گروه اول یعنی مؤمنان، باطن و «قلب انسانی» دارند و می‌توان حقیقتاً و بدون تعارف «انسان» خطاب‌شان کرد. این‌ها کسانی هستند که به غایت معرفت نفس رسیده‌اند، اله و معشوق حقیقی خود را شناخته‌اند، هدف خلقت را یافته‌اند و تمام ابعاد زندگی خود را با این هدف تنظیم کرده‌اند. این گروه چهار ویژگی شاخص دارند که به وسیلهٔ آن‌ها از دیگران متمایز می‌شوند. این ویژگی‌ها شامل ایمان، عمل صالح، توصیه به حق و توصیه به فسق و وارونگی شخصیت هستند و اگرچه در ظاهر به انسان‌ها شبیه‌اند، اما ساختار باطنی‌شان کاملاً به هم ریخته و از صورت انسانی خارج شده است.

قرآن برای گروه دوم هم شئون و مراتب مختلفی قائل است و آن‌ها را بر اساس ساختار باطنی و قلبی‌شان به پنج دسته تقسیم می‌کند. بر اساس این تقسیم‌بندی، به جز قلب انسانی که درباره‌اش صحبت کردیم، دیگر انواع قلب در قرآن عبارتند از: قلب سنگی، سخت‌تر از سنگ، گیاهی، حیوانی و شیطانی. البته توجه

کنید که منظور از قلب همان‌طور که گفتیم، باطن انسان است؛ در واقع ماهیت حقیقی انسان همان قلب یا روح است و هر انسانی معادل قلب خود است؛ نه این‌که قلب عنصری جدا از وجود آدمی باشد. اما ببینیم هرکدام از انواع قلب در قرآن چه ویژگی‌هایی دارند و چرا با این نام خطاب می‌شوند؟

قلب سنگی

یکی از انواع قلب در قرآن قلب‌هایی هستند که از نظر کمالات وجودی در پایین‌ترین مرتبه وجود، یعنی مرتبه جمادی قرار می‌گیرند و هم‌رتبه جمادات محسوب می‌شوند. خداوند این قلب‌ها را به سنگ تشبیه می‌کند: «ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبَكُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَهِيَ كَالْحِجَارَةِ؛ سپس دل‌های شما بعد از این واقعه سخت شد، همچون سنگ!»^۱ سنگ معمولاً به سختی و نفوذناپذیری مشهور است. خداوند با این تشبیه، که البته صرفاً تشبیه نیست و یک ملاک ارزیابی است، می‌خواهد قیمت بعضی افراد را معرفی کند. سنگ چیز بدی نیست، بلکه مخلوق خداست و در جای خود ارزشمند و دارای کمال است. خداوند هم با این تشبیه نمی‌خواهد به کسی توهین کند. می‌خواهد بگوید قیمت بعضی انسان‌ها در همین حد است؛ در حد یک سنگ می‌ارزند و ارزش انسانی ندارند. قلب سنگی در اثر غلبه بعد جمادی اتفاق می‌افتد. افرادی که بیش از اندازه به کمالات جمادی مثل خانه، اتومبیل، پول، طلا، لباس، لوازم منزل و چیزهایی از این قبیل عشق می‌ورزند؛ به‌طوری‌که اولویت اصلی زندگی‌شان کسب این کمالات است، به‌تدریج از باطن و قلب انسانی فاصله می‌گیرند و به قلب سنگی یا جمادی مبتلا می‌شوند.

قلب حیوانی و گیاهی

یکی دیگر از انواع قلب در قرآن قلب‌هایی هستند که از نظر کمالات وجودی در مرتبه حیوانی قرار می‌گیرند. خداوند صاحبان این قلب‌ها را به حیوانات چهارپا تشبیه می‌کند: «أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ؛ آن‌ها مانند

۱ سوره بقره، آیه ۷۴

چهارپایان‌اند»^۲. حیوانات موجودات حقیری نیستند؛ بلکه آن‌ها هم مثل سنگ‌ها در جای خود ارزشمند و قابل احترام‌اند. حیوانات کمالات زیادی دارند. خالق خود را می‌شناسند و به روش خود او را عبادت می‌کنند. نسبت به خانواده متعهد و مسئولیت‌پذیرند، دارای ویژگی‌های مثبتی مثل وفاداری، حیا و مهربانی هستند و به هم‌نوعان و غیرهم‌نوعان خود خدمت می‌کنند. بنابراین، وقتی خداوند عده‌ای را به حیوان تشبیه می‌کند، قصد توهین به آن‌ها را ندارد؛ بلکه هدف در این‌جا هم بیان ارزش و قیمت افراد است. از نظر خدا، قیمت عده‌ای از افراد در حد حیوانات است؛ کمال دارند، کمالات‌شان هم مقدس و نورانی است، بابت اهتمام به این کمالات هم اجر و پاداش اخروی دریافت می‌کنند. اما به‌هرحال انسان نیستند و پرداختن به اموری مثل خدمت به دیگران، مسئولیت‌پذیری، وفاداری و امثال این‌ها باعث نمی‌شود که به مرتبه انسانی برسند.

از دیگر انواع قلب در قرآن که خداوند در ادامه همین آیه با لفظ «بَلْ هُمْ أَصَلُّ» به آنها اشاره می‌کند، قلب‌هایی هستند که از نظر مرتبه وجودی پست‌تر از حیوانات هستند؛ یعنی از همان حداقل کمالات حیوانی هم بی‌بهره‌اند. صاحبان این قلب‌ها با توجه به تقسیم‌بندی‌هایی که قبلاً در مبحث کمالات درباره آن‌ها صحبت کردیم، شأنی هم‌ردیف گیاهان دارند. دل‌مشغولی‌ها و علاقه‌های‌شان در حد کمالات گیاهی مثل تناسب اندام، خوراک و آرایش ظاهر است و دغدغه‌های بالاتر هیچ جایی در قلب آن‌ها ندارد. این‌گونه افراد در رده‌بندی‌های انواع قلب در قرآن، در ردیف قلب‌های گیاهی قرار می‌گیرند.

در کنار قلب‌های جمادی، گیاهی، حیوانی و انسانی که بر اساس کمالات وجودی طبقه‌بندی می‌شوند، دو گونه دیگر از قلب نیز وجود دارند که تقریباً در قالب هیچ‌کدام از کمالات نمی‌گنجد. این قلب‌ها عبارتند از قلب‌های سخت‌تر از سنگ و قلب‌های شیطانی، که در ادامه به ویژگی‌های آن‌ها اشاره می‌کنیم.

^۲ سوره اعراف، آیه ۱۷۹

قلب سخت‌تر از سنگ

شاید فکر کنید در دنیا چیزی سخت‌تر از سنگ وجود ندارد. اما اشتباه می‌کنید! قلب آدمی این قابلیت را دارد که از نظر قساوت از سنگ هم فراتر برود. خداوند در قرآن به این موضوع اشاره می‌کند و در ادامه معرفی قلب‌های سنگی می‌فرماید: «أَوْ أَشَدُّ قَسْوَةً؛ حتی سخت‌تر از سنگ!»؛ «چرا که از بعضی سنگ‌ها، نهرها جاری می‌شود و پاره‌ای از آن‌ها شکاف برمی‌دارد و آب از آن تراوش می‌کند و پاره‌ای از خوف خدا (از فراز کوه) به زیر می‌افتد».^۳ حتی سنگ هم شکاف برمی‌دارد، اما قلب بعضی افراد به چنان سختی و قساوتی می‌رسد که هیچ راه نفوذی در آن باقی نمی‌ماند؛ درواقع معنای حقیقی قساوت قلب که در درس‌های قبلی درباره آن صحبت کردیم، همین است. قساوت قلب به معنای قلب سنگی نیست، بلکه به معنای قلب سخت‌تر از سنگ است؛ یعنی قلبی که امکان تغییر و تحول در آن نزدیک به صفر است و تقریباً باید از آن قطع امید کرد.

قساوت قلب در اثر غلبه هر کدام از کمالات می‌تواند اتفاق بیفتد و محدود به کمال خاصی نیست. بعضی‌ها مثل قارون و فرعون در اثر عشق‌ورزی به کمالات جمادی و حیوانی از قبیل ثروت‌اندوزی و مقام‌پرستی به قساوت دچار می‌شوند، بعضی‌ها در اثر کمالات گیاهی مثل بدن‌نمایی و شکم‌پرستی افراطی و عده‌ای هم بر اثر کمالات عقلی و علم و دانش؛ حتی کمالات فوق‌عقلانی و صورت‌های مقدس هم می‌توانند عامل قساوت قلب باشند و اتفاقاً این موضوع یکی از خطرناک‌ترین عوامل است. زیرا یاد و ذکر خدا که قوی‌ترین عامل بیداری قلب است، نزد این‌گونه افراد تبدیل به عادت می‌شود و اثرگذاری‌اش را به کلی از دست می‌دهد.

۳ «وَإِنَّ مِنَ الْجَبَارَةِ لَمَّا يَتَفَجَّرُ مِنْهُ الْأَنْهَارُ وَإِنَّ مِنْهَا لَمَّا يَنْشَقُّ فَيَخْرُجُ مِنْهُ الْمَاءُ وَإِنَّ مِنْهَا لَمَّا يَنْهَيْتُ مِنَ خَشْيَةِ اللَّهِ» سوره بقره، آیه ۷۴

قلب شیطانی

آخرین گروه در طبقه‌بندی انواع قلب در قرآن، کسانی هستند که خداوند نام شیاطین انسی را بر آنها می‌گذارد.^۴ این‌گونه افراد بر اثر گناهان بسیار زیاد آن‌قدر سقوط می‌کنند که به کلی از ولایت خدا خارج شده و تحت ولایت شیطان و هم‌ردیف اصحاب او قرار می‌گیرند.

اگر خاطرتان باشد در مبحث تقرب به خدا گفتیم که کل جهان هستی به وسیله اسماء الهی اداره می‌شود و اساساً در جهان چیزی به جز تجلیات اسماء و صفات خدا وجود ندارد. شیاطین هم مخلوق خدا و مظهر اسماء الهی هستند، اما اسمی از خداوند که بیشترین تجلی را در آنها دارد، اسم «مضلّ» به معنی گمراه‌کننده است. این افراد در اثر طغیان و پیروی از هوای نفس نه تنها خودشان به گمراهی کشیده می‌شوند، بلکه دیگران را هم گمراه می‌کنند و به ورطه نابودی می‌کشانند. این‌که انسان به عنوان اشرف مخلوقات و کسی که شایستگی رسیدن به مقام خلیفة‌اللهی را دارد، به جایی برسد که هم‌ردیف شیطان قرار بگیرد و به جای مظهر رحمانیت، به مظهر گمراه‌کنندگی تبدیل شود، نشان از پیچیدگی نفس آدمی و واقعیتی تکان‌دهنده است که جای تأمل دارد. با این‌حال، قلب‌های شیطانی هم اگر در معرض نور الهی قرار بگیرند، می‌توانند متحول شوند و راه درست را پیدا کنند، اما کسانی که به قساوت قلب می‌رسند دیگر هرگز نمی‌توانند به صراط مستقیم برگردند. قساوت قلب در واقع، پایین‌ترین مرتبه‌ای است که یک قلب می‌تواند داشته باشد.

آنچه گفتیم شرح مختصری از انواع قلب در قرآن بود. در درس‌های بعدی درباره ویژگی‌های هر کدام از قلب‌ها به صورت جداگانه صحبت خواهیم کرد.